



وزارت آموزش و پرورش
سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی
دفتر انتشارات و فناوری آموزشی

گزارش فعالیت‌های رسانه‌ای دفاع دوازده روزه در مجلات رشد

۱۴۰۴

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَعَجِّلْ فَرَجَهُمْ

مقدمه	۱
ماهنامه رشد کودک	۲
ماهنامه رشد نوآموز	۵
ماهنامه رشد دانش آموز	۷
ماهنامه رشد نوجوان	۱۰
ماهنامه رشد جوان	۱۳
ماهنامه رشد هنر جو	۱۷
ماهنامه رشد برهان متوسطه ۱	۲۱
ماهنامه رشد معلم	۲۲
ماهنامه رشد مدرسه فردا	۲۵
ماهنامه رشد مدیریت مدرسه	۲۶
ماهنامه رشد آموزش ابتدایی	۲۸
ماهنامه رشد فناوری آموزشی	۳۳
ماهنامه رشد مشاور مدرسه	۳۶
ماهنامه رشد خانواده	۳۷
فصلنامه رشد آموزش هنر	۳۹

جنگ تحمیلی ۱۲ روزه و بازتاب آن در مجلات رشد

در روزهای گذشته، جهان نظاره‌گر رخدادهایی برجسته مرتبط با دوران جنگ تحمیلی بوده است؛ رویدادهایی که با حجم گسترده عملیات‌های نظامی و جلوه‌های آشکار خود، ابعادی فراتر از مرزهای درگیری‌های متداول را به نمایش گذاشته‌اند. در چنین شرایطی، اهمیت فهم صحیح این تحولات و ارتقای سطح آگاهی عمومی میان جامعه بیش از پیش نمایان می‌شود. این مسئله به‌ویژه برای نهادهای آموزشی کشور، از جمله سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی، به‌عنوان وظیفه‌ای حیاتی مطرح است که باید با جدیت پیگیری شود.

در این راستا، دفتر انتشارات و فناوری آموزشی به‌عنوان یکی از ارکان کلیدی نظام تعلیم و تربیت کشور، نقشی محوری و غیرقابل انکار در تولید و هدایت محتوای آموزشی ایفا می‌کند. از طریق نگارش مقالات پژوهشی، اعداد یادداشت‌های تخصصی، ارائه آثار هنری و علمی، و طراحی برنامه‌های آموزشی نوآورانه، این دفتر تأثیر چشمگیری در ساختار اندیشه‌ها و نگرش‌های جامعه ایفا می‌کند. به همین دلیل، تحلیل‌های دقیق و علمی کارشناسان پیرامون این‌گونه رویدادها نه‌تنها مسیر آینده نظام آموزشی را روشن‌تر خواهد ساخت، بلکه زمینه لازم برای برنامه‌ریزی بلندمدت و آینده‌نگر را فراهم خواهد آورد.



بایاد غنچه‌های پرپر شده
در حمله‌ی وحشیانه‌ی اسرائیل به خانه‌ی عزیزمان ایران



فاطمه‌ناکریان



هیدا زبلی



رایان قاسمی



علی ساداتی ارمکی



محمد علی بهمنی



علیسان‌جباری



طاها بهروزی



یاسین مولایی



مرسانا بهرامی



مهرداد خیری



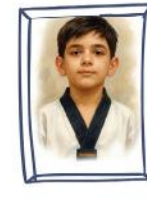
زهرا بهمن آجادی



پرهام عباسی



سهیل کتولایی



امیر علی امینی



فاطمه ساداتی ارمکی





تپستان بی‌مزه نِسِت

رفتند.

فکر کرد دو تا از بازیکنان تیم که کم شده بودند. آقای مربی هم که اعلام کرده بود به خاطر مسائل امنیتی فعلاً باشگاه تعطیل است. یاد محسن و حامد افتداد که گفتند: بدون تیم (لیگ) فوتبال، تاپستان بی‌مزه‌ای می‌شود.

سر خیابان، چند جوان مشغول بازرسی ماشین‌ها بودند. شنیده بود که در خیابان‌های اصلی، بسیج مردمی مشغول این کار است.

در مسیر، صدای بی‌بی زری، همسایه‌شان، را شنید که داشت با حاج آقا حسینی، امام جماعت مسجد محله، چک‌وچانه می‌زد. التماس می‌کرد یک‌جوری بتواند به جبهه کمک کند. حاج آقا حسینی هم اصرار داشت این جنگ فرق دارد، جنگ موشک و ریزیرنده است.

بی‌بی زری باز حرف خودش را می‌زد: کلی غذا و مربا و ترشی و هر چی فکر کنی بدم درست کنم تا جوان‌ها برای جنگیدن با این از خدا بی‌خبرها جان بگیرند.

سعید با صدای بلند تلویزیون از خواب پرید. سارا را جلوی تلویزیون دید. با اخم گفت: «چرا این قدر صدایت بلند کردی!»

– از وقتی تمرین‌های تیمتون تعطیل شده، خیلی می‌خواهی! بلند شو. برای ناهار نان نداریم.

تلویزیون داشت یکی از خانه‌های آسیب‌دیده از حمله‌ی اسرائیل را نشان می‌داد. سعید به صفحه‌ی تلویزیون خیره شد. بلند شد. صدای تلویزیون را کم کرد. یک‌دفعه صحنه‌هایی از کمک‌های مردمی به جبهه‌های جنگ تحمیلی هشت‌ساله پخش شد. سعید پیش خودش فکر کرد: الان چه کار می‌شود کرد؟

صدای سارا و ثنا، خواهرهای دوقلویی‌ش، هم‌زمان از آشپزخانه بلند شد: «آقا سعید! نان!»

سعید سریع لباس پوشید و بیرون رفت. در محل همه در مورد شدت پاسخ ایران صحبت می‌کردند. خانواده‌ی آقا فریدون چمدان به دست در حال رفتن به شهرستان بودند. مسعود و محمدجواد، پسرهای آقا فریدون، از دور برای سعید دست تکان دادند و



حاج آقا حسینی نمی دانست چه بگوید. بی بی زری برای بار چندم قصه‌ی کمک‌های زنان محله در دوران جنگ تحمیلی هشت ساله را تعریف کرد. حاج آقا حسینی انگار صبرش تمام شد، گفت: «مادر، نمی توانم به خدا! فعلاً کاری نیست شما بکنید. فقط برای جوان‌ها دعا کنید.» بی بی زری آرام گفت: من که شب و روز دعا می کنم. بعد هم راهش را کشید و رفت. صفت نانوايي داشت شلوغ می شد. سعید قدم‌هایش را سریع تر کرد. آن طرف خیابان، جوان‌های بسیجی، زیر آفتاب همچنان مراقب رفت و آمد ماشین‌ها بودند. شنیده بود که دشمن ممکن است مثل مردم عادی در شهر رفت و آمد کند و بخواند به مردم صدمه بزند.

فکری به ذهنش رسید. سریع گفت: «آقارضا، پنج تا نان برام بگذار کنار، الان می یام.» بعد هم سریع به سمت بی بی زری رفت.

●●●

عصر آن روز، سعید با دوقلوها در خانه‌ی بی بی زری بودند. نوه‌ی بی بی زری هم آمده بود و با دخترها نان‌ها را تکه تکه و آماده می کردند. چندتا از بچه‌های محله، به کمک بی بی زری بساط غذا پختن را جور کردند بی بی زری انگار جوان شده بود! حاج آقا حسینی با چند تا از ایستگاه‌های بازرسی صحبت کرده بود که شام امشب را مهمان بی بی زری هستند. چند تا از زن‌های محله هم به کمک آمده بودند. محله جان گرفته بود.

جواب سرگرمی: شهر قصدت را پیدا کن. شیراز

شماره ۱۴۰۴ | ۱۴۰۴ | ۱۴۰۴



الیه ایزدی لای بیدی
تصویرگر: فاطمه خداابخشی

مهمان موشکی!

آقای معلّم گفت: «بچه‌ها، امروز یک مهمان ویژه داریم که از دوستان خوب من است.»
بچه‌ها با تعجب پرسیدند: «چه مهمانی؟!»
آقای معلّم جواب داد: «یادتان هست چند روز پیش چقدر راجع به موشک سؤال می‌پرسیدید؟ حالا یک مهمان عزیز داریم که جواب همه‌ی سؤال‌های موشکی شما را بلد است، چون خودش موشک شلیک می‌کند.»
بچه‌ها داد زدند: «موشک واقعی؟»
آقای معلّم با سر تأیید کرد. بین بچه‌ها همه‌همه‌ای بر پا شد. همه منتظر بودند این سرباز شجاع را ببینند. در همین لحظه، درِ کلاس باز شد و آقای مهربانی

با لباس نظامی آمد داخل. بچه‌ها از خوش حالی و هیجان هورا کشیدند.
آقای سرباز سلام کرد و گفت: «مثل اینکه شما دانش‌آموزان پایه‌سومی خیلی سؤال داشتید! با خیال راحت پرسید.»
امیرعلی فوری گفت: «شما واقعاً موشک می‌زنید؟»
آقای سرباز با لبخند گفت: «بله، ولی فقط به دشمن! آن هم دشمنی که به ما حمله کرده باشد.»
احمد دست بلند کرد: «اجازه! یعنی ما خودمان حمله‌نمی‌کنیم؟»
آقای سرباز سرش را به چپ و راست تکان داد: «ایران هیچ‌وقت به هیچ کشوری حمله نکرده است،

شماره ۲۰۶ | آبان ۱۴۰۴

ایستاده‌ام، چون خودم اتاقم را تمیز می‌کنم. برای رفتن به مدرسه زنگ ساعت را تنظیم می‌کنم. لباس‌هایم را هم مرتب می‌کنم و داخل کمد می‌گذارم.»

آقای معلم و آقای سرباز خندیدند. یاسین پرسید: «از کجا می‌دانید کی و به کجا موشک بزنی؟ اصلاً چطوری این همه سرباز با هم هماهنگ می‌شوید؟» آقای سرباز برای یاسین دست زد: «آفرین! به نکته‌ی مهمی اشاره کردی. ایران مثل یک کشتی بزرگ است. هر کشتی هم باید ناخدا داشته باشد تا مسیر درست را نشان بدهد و در موقعیت‌های حساس بتواند بهترین تصمیم را بگیرد. ناخدای کشتی ایران خیلی باهوش و کاربلد است.»

آقای معلم گفت: «بچه‌ها! چند روز پیش که درباره‌ی اتحاد گفتم، مثال قایق را برایتان زدم. گفتم، در قایق، اگر هر کسی در هر جهتی که دلش می‌خواهد پارو بزند، قایق اصلاً جلو نمی‌رود و حتی ممکن است غرق شود. برای همین خیلی مهم است که همه‌ی سرنشینان قایق به حرف ناخدا، که فرماندهشان است، گوش کنند و هماهنگ با هم پارو بزنند. این یعنی متحد بودن.»

امیرعلی گفت: «مثل ما که با هم متحد می‌شویم و روز امتحان را عقب می‌اندازیم!»

همه خندیدند؛ حتی آقای معلم. احمد گفت: «اجازه! با خودتان موشک نیاورده‌اید بی‌نیتم؟»

آقای سرباز لیخن زد: «چرا اتفاقاً!»

و بعد از جییش یک موشک کاغذی درآورد و گفت: «نترسید، این فقط تا سقف کلاس می‌تواند بالا برود.»

بچه‌ها خندیدند. آقای معلم گفت: «حالا وقت کار عملی است. همه یک موشک بسازید و به سمت دشمن شلیک‌ش کنید. این هم چسب و کاغذ.»

و بعد پرچم اسرائیل و آمریکا را روی تخته کشید و زیرشان نوشت: «دشمن.»

آخر کلاس، همه‌ی موشک‌های ایرانی به هدف خوردند. بچه‌ها خیلی خوش‌حال بودند. اسم کلاسشان را هم گذاشتند «کلاس موشکی!»



ولی اگر بقیه به ما حمله کنند، ما هم خوب بلدیم از خودمان و از مرزهای کشورمان دفاع کنیم.»

آقای معلم گفت: «شما یک پا آرش کمان‌گیر هستید!»

آقای سرباز خندید: «البته آرش موشکی! موشک‌هایمان صاف می‌خورد همان‌جایی که می‌خواهیم. ما کلی موشک داریم. روی پای خودمان ایستاده‌ایم.»

محمد سرش را خاراند: «جمله‌ی آخر یعنی چی؟»

آقای معلم گفت: «منظورشان این است که خودمان آن‌ها را ساخته‌ایم و از کشور دیگری کمک نگرفته‌ایم.»

محمد گفت: «مثل من. من هم روی پای خودم

مجله‌های چند رسانه‌ای
شماره ۱۰۰ - دبیری: خاندان

دانش آموزان پایه‌های چهارم، پنجم و ششم ابتدایی

دانش آموزان و مربیان
موسسه پژوهش و توسعه آموزشی
مجلس تخصصی و فرهنگی آموزش
ISSN: 1666-9064
www.roshdmag.ir

ماهنامه‌ی آموزشی و تربیتی

دوره‌ی چهل و چهارم • مهرماه ۱۴۰۴
شماره‌ی پانزدهم • ۳۶۱ • ۳۲ صفحه
قیمت: ۲۵۰,۰۰۰ ریال

۱۲ روز مقاومت، یک دنیا شرافت
روز اول اللای توأم کشید...

مدرسه یعنی چسب و چو

زندگی باتری نمی‌خواهد!

مبارزه با تبلی دماغ
خوش مزه‌تر از گرسنگی

زیادتر از همیشه

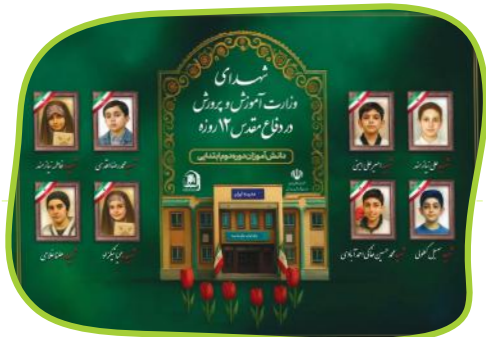
تقویم دانش آموز

۱ مهر

روز بازگشایی مدرسه‌ها

۱۲ روز مقاومت، یک دنیا شرافت

روز اول لاله‌ای خواهیم کشید



از میان کوچه‌های خستگی می‌گریزم در پناه مدرسه باز می‌بینم ز شوق بچه‌ها اشتیاقی در نگاه مدرسه زنگ تفریح و هیاهوی نشاط خنده‌های قاقاه مدرسه باز بوی باغ را خواهیم شنید از سرود صبحگاه مدرسه روز اول لاله‌ای خواهیم کشید سرخ، بر تخته‌سیاه مدرسه

فیض‌امین پور

کشورمان مراقبت می‌کنیم. با علاقه می‌خوانیم و با علاقه یاد می‌گیریم. پر قدرت می‌مانیم و همواره به خدا توکل می‌کنیم. درست است که بعضی از دوستان ما به سفری طولانی رفته‌اند اما مهربانی‌ها این دلتنگی را تحفل‌پذیر خواهد کرد.

باز آمد بوی ماه مدرسه بوی بازی‌های راه مدرسه بوی ماه مهر، ماه مهربان بوی خورشید پگاه مدرسه

سعیده نادرپور

۵ مهر

سالروز عملیات ثامن الائمه

نصر من الله و فتح قریب



۷ مهر

روز آتش نشانی و خدمات ایمنی

مهربانی در ماشین‌های قرمز

آن‌ها هنگام حادثه‌ها و اتفاقات ناگوار به کمک ما می‌آیند. کسانی که مهربانی خدا را در ماشین‌های قرمز رنگ برای ما می‌آورند. آتش‌نشانان فداکار، با شجاعت و مهربانی در صحنه‌ی حوادث گوناگون حاضر می‌شوند. آن‌ها از جان خود می‌گذرند تا جان دیگران، به‌خصوص بچه‌ها یا افراد کم‌توان را نجات دهند. هفتم مهرماه، روز قدردانی از این فرشته‌های زمینی و یادآوری تلاش و از خودگذشتگی آن‌هاست.

عملیات ثامن‌الائمه یکی از مهم‌ترین عملیات جنگی هشت سال دفاع مقدس بود. این عملیات برای بازپس‌گیری بخش‌هایی از خاک ایران و جلوگیری از پیش‌روی نیروهای یعنی به خاک کشور عزیزمان انجام گرفت. پس از شروع جنگ تحمیلی در شهریور سال ۱۳۵۹، نیروهای یعنی به‌سرعت خرمشهر را اشغال کردند. آن‌ها قصد داشتند آبادان را هم که یکی از زیباترین و مهم‌ترین شهرهای کشور بود، به تصرف خود درآورند. آبادان به محاصره‌ی تانک‌ها و نیروهای نظامی درآمده بود. به همین علت، امام خمینی (ره) در چهاردهم آبان همان سال فرمان شکست حصر آبادان را صادر کردند. رزمندگان ایران عملیاتی را به نام ثامن‌الائمه طراحی کردند. ارتش جمهوری اسلامی ایران با همکاری سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، در بامداد ۵ مهر سال ۱۳۶۰، آبادان را از نیروهای دشمن پاکسازی کردند. رمز این عملیات «نصر من الله و فتح قریب» بود.





تاریخ با ذره بین

خوش مزه تر از گرسنگی

تاریخ گرسنگی و کارکردن مغزها

سعید غلامی نقاش

یک راه مهم برای برنده شدن در جنگ، مقاومت در برابر گرسنگی است. صفحه‌های تاریخ پر از سرگذشت مردم گرسنه در روزهای جنگ یا محاصره است. همین‌طور، پر است از سرگذشت آدمیان باهوشی که در روزهای قار و قور شکم‌ها، شیوه‌های بامزه یا عجیب و غریبی برای زنده ماندن پیدا کرده‌اند. انسان‌ها چگونه در روزهای قحطی و در اوج گرسنگی و تشنگی، از خلاقیت خود استفاده کرده‌اند؟

سفر به لنینگراد: وقتی نان از خاک و چوب بود!

اینجا «لنینگراد» است. شهر محاصره شده است. هیچ غذایی از بیرون به شهر نمی‌رسد. دشمن همه‌جا را بمباران کرده و همه‌ی اثبارهای غذا نابود شده‌اند. مردم لنینگراد جنگ جهانی دوم را تجربه می‌کنند. محاصره‌ی لنینگراد از سوی ارتش آلمان، باعث یکی از وحشتناک‌ترین قحطی‌های تاریخ شده است. جیره‌ی غذای هر نفر آن قدر کم است که مردم آرد را با خاک‌آزه و چیزهای دیگر مخلوط می‌کنند. بعضی از اهالی شهر، چسب کتاب یا خمیر کاغذدیواری را هم خورده‌اند. اقا خلاقیت انسان را نباید دست‌کم گرفت. خانم‌های خانه‌دار لنینگراد، قبلاً برگ‌های بیرونی کلم را دور می‌ریختند. اقا حالا آن‌ها را می‌پزند و از آن غذایی به نام «خراپا» به دست می‌آورند.



۲۶ دانش آموز مهر ۱۴۰۴



عکس ماه

عکس تو روی دیوار
آن سمت چهارراه است
شب ها در آن خیابان
عکس تو مثل ماه است

نزدیک من همیشه
با خنده می نشستی
حالا چقدر دوری
حالا شهید هستی

ای گاش با دو تا بال
پیش تو می رسیدم
جایت چقدر خالی ست
ای دوست شهیدم

منیره هاشمی



نوجوان رشد

وزارت آموزش و پرورش
سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی
دفتر انتشارات و فناوری آموزشی

ماهنامه آموزشی و تربیتی
اجتماعی و فرهنگی
دوره چهل و چهارم - مهر ۱۴۰۴
شماره پیاپی ۳۴۶ - ۴۸ صفحه

به نام خدای مهربان

صدای پای مدرسه، صدای پای پیروزی

مهرماه شروع دوباره مدرسه است. آغاز یادگیری چیزهای جدید است. فرصتی برای فداکشدن علم و معرفت است. با شروع فصل پاییز، بنر تعلیم آماده کاشتن در ذهن‌های مستعد و پر بار دانش‌آموزان می‌شود. مهرماه یک زندگی تازه است. آغاز دیدارهای تازه با دوستان قدیم و جدید، با معلمان مهربان، با مدیر و ناظم، و یابای مدرسه است. بی‌شک این دیدارها با خود موجی از شادی و هیجان را در فضای پر مهر مدرسه به ارمغان می‌آورد. قصه، حس بازگشتن مدرسه فقط به چهار دیواری مدرسه خلاصه نمی‌شود. تو گویی همه جا مدرسه شده است. خانه، کوچه و خیابان، شهر و روستا همه جا حس و حال مدرسه به خود می‌گیرد. هر جا چشم می‌چرخانی، دانش‌آموزان پر نشاطی را می‌بینی که با کوله‌پشتی پر خاطره به سوی مدرسه شادی‌کنان در حرکت‌اند. تو گویی بوی عطر مدرسه همه جا پراکنده شده است. و اما امسال حس و حال بازگشایی مدرسه‌ها با تمام سال‌های قبل فرق دارد. امسال در دیوار مدرسه‌ها و شهرها به تصویر دانش‌آموزان، دانشمندان، سرداران و هم‌میهنان شهید در جنگ تحمیلی ۱۲ روزه مزین است؛ عزیزانی که در ابتدای تابستان به مظلومانه‌ترین شکل ممکن به دست جلاوطن‌ترین رژیم تاریخ یعنی رژیم صهیونیستی، به شهادت رسیدند. امسال حیاط مدرسه شور و حالی وصف ناشدنی دارد.

قطره‌های اشک از چشمان معصوم دانش‌آموزان سرازیر است. آن‌ها دل تنگ هم‌کلاسی‌های شهیدشان هستند. بی‌شک آن‌ها در دل خود می‌گویند و فریاد برمی‌آورند تا دنیا بداند: «اگر جسم هم‌کلاسی‌های ما را دشمن جتایکتاز از ما گرفته است، اما مطمئن باشید یاد و راه شهیدان ما هرگز برای لحظه‌ای از قلب و دل ما دور نخواهد شد! ما دانش‌آموزان به همراه معلمان و اولیای خود در ابتدای مسال تحصیلی با شهیدانمان پیمان می‌بندیم تا با درس خواندن بیش از پیش و مضاعف، به راه شهیدان ادامه دهیم. ایران اسلامی را به بلندترین قله‌های معرفت و دانش برسانیم و این‌گونه پرچم پیروزی را به اهتزاز در آوریم.»

روح شهیدان شاد
علی‌اصغر جعفریان



- ۱- صدای پای مدرسه، صدای پای پیروزی
- ۲- یک داستان شیرین
- ۳- کتاب خواندن به چه دردمان می‌خورد؟
- ۴- علم آموختن سرمایه‌گذاری است یا تکلیف و وظیفه؟
- ۵- شاعرانه
- ۱۰- لذت زندگی فرازمینی
- ۱۲- سکوی پرتاب مدرسه
- ۱۳- رفیق مصنوعی
- ۱۴- ما می‌توانیم
- ۱۸- ستاره خرمشهر
- ۲۰- جدول

کلاس

- ۲۱- روش‌های یادگیری
- ۲۲- چوب بستنی رو کی لیس بزنی!
- ۲۳- تک چرخ نیلوفری
- ۲۴- گنج نامرئی
- ۲۵- چه دانشی کسب کردی؟

- ۲۶- دنیای هوشمند چیزها
- ۲۸- پروانگی
- ۳۰- غزل دور از خانه
- ۳۱- راه فردا، از همین حالا
- ۳۲- ملاقات رؤیایی
- ۳۳- گام اول، آمادگی
- ۳۸- کشف چهارگوش خان
- ۳۰- بازی ذهن
- ۳۲- روزهای مانا
- ۳۴- توپ و تور
- ۳۶- پنجره‌های بهشتی
- ۳۸- جوش‌های نوجوانی؛ مهمان‌های ناخوانده!



برای اشتراک مجله
به‌زیرنده را پوشش کنید.



نشانی: کتایب جعفر رشد نوجوان
موسسه آمل در پیام رسان شاد
@ROSHAD_NJAVAN



وبگاه: نشر سنجی مجلت





وطن

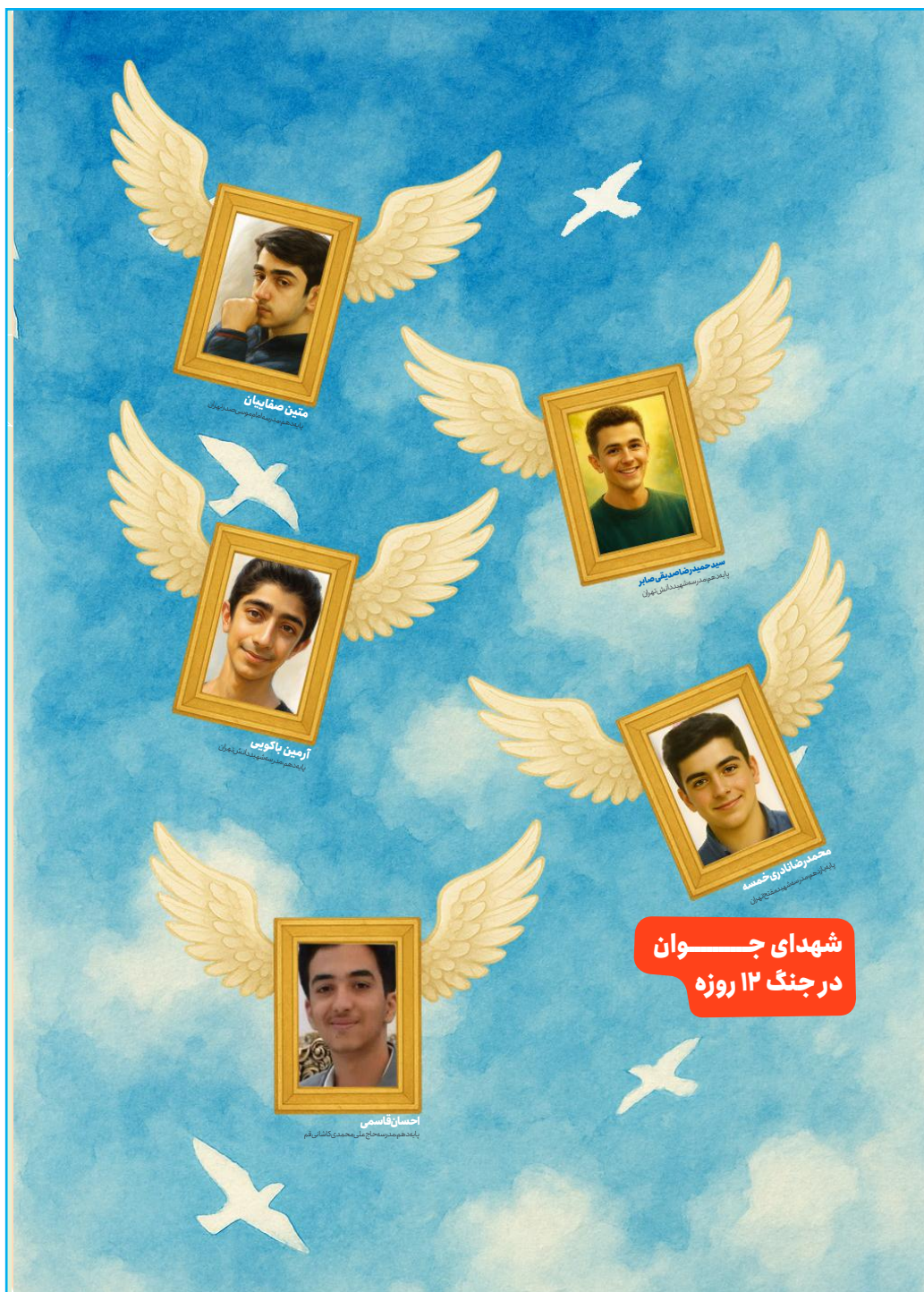
عشق تو
چون نسیم مهربان
شاخه شاخه دل مرا
می دهد تکان.
من درخت جنگل توام
گل به دامن
پاره تنت
بی تو آسمان هر کجا
آسمان من نمی شود
دور از تو من کجا روم؟
هیچ جا.
هیچ جا وطن نمی شود!

محمود پورهاب

ماهنامه آموزش و تربیتی برای دانش آموزان دوره متوسطه دوم
دوره چهل و یکم | مهرماه ۱۴۰۴ | شماره پستی ۱۳۴۹
۲۸ صفحه |
www.roshdmag.ir
ISSN: 1606-9080

وزارت آموزش و پرورش
سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی
دفتر نشریات و فناوری آموزشی

مردی که با قلمش غرب را به چالش کشید
چطوری طنز بنویسیم؟
بزرگ‌ترین پروژه تاریخ علم کشور
خانه های آینده
تجدید قوا در آخرین اردوی قرن



بعد از جنگ ۳ روزه که به دفتر مجله برگشتیم، یکی از همکاران که عاشق گل و گیاه است، افتاده بود به جان گلدان هایش. به قول خودش در حال بازسازی دستاورد های رژیم صهیونی بود. تمام گلدان هایش در آن چند روز خشک شده و برگ هایشان زرد و پژمرده شده بودند. **فاطمه** همه را جدا کرد تا بعضی ها را که دیگر بهشان امیدی نبود بیندازد دور، و بقیه را به امید ریشه زدن قلمه بزند.

گلدان های خالی را گذاشته بود نزدیک پنجره و آب می داد. خلاصه بساطی درست کرده بود. هر وقت می دیدمش می خندیدم و می گفتم: «دست بردار از این بیچاره ها! این ها گلدان نمی شوند برایت.»

دوست عزیز دیگری می گفت: «از بس به این گلدان های خالی آب داده، ماها خجالت کشیده ایم و داریم رشد می کنیم!» سر به سرش می گذاشتیم که مقاومتش را بشکنیم تا برود گیاه جدید بخرد.

چهل روز گذشت. اوایل مرداد ماه بود که سری به اتاقش زدم. دیدم گیاه ها برگ درآورده اند. به قیافه متعجب نگاه کرد و گفت: «دیدنی مقاومت جواب داد؟!»

با خنده های همراه با تعجب پرسیدم: «آخه چه جوری از گلدان خالی برگ درآمده؟»

گفت: «ریشه داشتند. ریشه که داشته باشی، بزنند و بکشند و پژمرده کنند، دوباره جوانه می زنی و رشد می کنی و می سازی؛ مثل فلسطین، مثل ایران، مثل تو...»

سخن سردبیر



الهام مقیسه
سردبیر مجله رشد جوان



وقتی در زمان دیست کار می کردیم (الهام دهی، قهرمان می طوی تمام همکاران در دوران رژیم صهیونیست گلگی با لقمه گلی با قلم و کلمه می نوشتند) همیشه می نوشتی خداوند گلی جوانی دهنده نورانی گلی و همی



از خاک ایران تا فلسطین

باشد بگش ما را! ولی این قصه تکراری ست
باید بدانی مرگ ما آغاز بیداری ست

فرعون و ضحاک و ابوسقیان یکی هستند
سرتاسر دنیا پر از تکرار خون خواری ست

هوهوی تیغ ذوالفقاریم و خدا را شکر
تیغ علی هرجا برآید ضربه اش کاری ست

اسطوره ها برگشته اند از شهر افسانه
آرش کمان آورده، هنگام کمان داری ست

از موج شالیزارها، تا مژگن زیتون ها
از خاک ایران تا فلسطین، جشن بیداری ست

این شهر قامت بسته از پا در نمی آید
تا بر لب گلدسته ها صوت اذان جاری ست

فائزه امجدیان



ببین گوش کن





وزارت آموزش و پرورش
سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی
دفتر نشر کتاب و فناوری آموزشی

مدیر مسئول: سید سعید بدیعی
سرمدبیر: مهدی عبدالملکی
مدیر داخلی: آناهیتا قربانی
طراح: ترانه افشاری
ویراستار: کبری محمودی

شورای برنامه‌ریزی: استغنیار چهارپایه، عباس بیات، محسن بهرامی، حسن آقابابایی، احسان‌رضا دواندیش، فاطمه انصاری
مدیر هنری: گوروش پارسا‌نژاد
دبیر عکاسی: اعظم لاریجانی
چند رسانه‌ای: علیرضا جعفری



یادداشت سردبیر



نشانی رشد هنرجو در پیام‌رسان شاد

نظرسنجی رشد هنرجو

فروش و اشتراک مجلات رشد

تابستان خود را چگونه گذرانیدیم؟

چه تابستان داغی بود! جقدر لحظات متفاوت دیدیم و چه خیال‌هایی را زندگی کردیم! شروع که شد، تصوراتم از خیلی چیزها تغییر کرد؛ از ایران و ایرانی، که تازه فهمیدم اصالت جقدر مفصل و پرمعناست. پیش از این تابستان، هیچ موقع ایرانی بودن به این اندازه رگ افتخار و غرورم را یاد نینداخته بود. همه جای دنیا صحبت از ایران و ایرانی بود که وسط معرکه‌ها سینه سپرمی‌کند و جانی‌زند و با اجنبی بیگانه است! فرهنگ و تمدن یعنی چیزی شبیه ایران در همین تابستان. از اسلام و مسلمانی و اینکه چه چیز مثل این هدیه خداوندی می‌تواند دل آدم را این قدر قرص و محکم کند؟ این قدر دل را بزرگ کند که شهادت برایش پرسودترین معامله شود، آن هم معامله با خدا. چه چیز بهتر از آموزه‌های دینی می‌تواند در دل‌ه‌ها و آرزو‌ها، بگ ملت را بیندازد در بغل بزرگ‌ترین قدرت هستی، تا دیگر هر پهلوان پنبه و قدرتی برایش شوخی باشد. هر یا حسین محرم این تابستان، عاشورایی بود و هر قدم و نفس مردم در کف خیابان‌ها گریایی. این چند ماه ایران پر بود از اسلام و مسلمان. از نظام و رهبری که می‌تواند مایهٔ مباحثات هر ایرانی در دنیا باشد. کجای دنیا می‌تواند یکجا، رودر روی همهٔ دیوان و ددان عالم، با همهٔ زور و پول و امکاناتشان بایستند و ملتشان را سرفراز کنند و دشمنان را زمین گیر؟ به همان اندازه که کلمه به کلمهٔ پیام‌های پدرمهربان ایران به جانمان می‌نشست، یا ذوقی که شب عاشورا با دیدنشان به دل‌مان افتاد، فهمیدیم امام حکیم مقتدر داشتن یعنی چه. جمهوری اسلامی یعنی چه. این کشور و مردمش با چنین امام شایسته‌ای، عزیزند و این ارتباط قلبی است که تفاوت‌ها را رقم می‌زند. و ایرانی که با ایستادگی و اتحاد پیروز شد. ما تابستان خود را این‌گونه گذرانیدیم. حالا شروع کن. نوبت تک‌تک ما است که نقش خودمان را بهتر و قوی‌تر از قبل برای کشورمان بازی کنیم.

- ۱ / تابستان خود را چگونه گذرانیدیم؟
- ۲ / آینده‌ای برای آینده‌نگسب و کار شما
- ۳ / بوم‌نقاشی دیجیتال شما
- ۴ / یک سلام و این همه معنا!
- ۵ / کلید ورود به دنیای مشتریان
- ۶ / درخشش با ادب در هر جمع
- ۷ / زیبایی انسان در ادب اوست
- ۸ / لذت شوخی
- ۹ / نشونهٔ معرفت احترام
- ۱۰ / احترام احترام می‌آورد
- ۱۱ / زیبایی هنرستان
- ۱۲ / از انگشتان ما تا فردای ایران
- ۱۳ / ارتباط اجتماعی
- ۱۴ / ابرهای زمان
- ۱۵ / طوفان شن
- ۱۶ / آن ۱۲ روزی که له‌شان کردیم
- ۱۷ / فرش‌های ذهنی
- ۱۸ / شرایط کار در رشتهٔ مکانیک خودرو
- ۱۹ / به عمل کار برآید
- ۲۰ / از خاک تا هنر
- ۲۱ / دل‌نویسهٔ واکثرترین زندگی
- ۲۲ / قاضی دنیا پرست و ترسو
- ۲۳ / کشف گنجینه‌های مازندران
- ۲۴ / ماه مهر
- ۲۵ / فنی حرفه‌ای در هلند
- ۲۶ / تولد ایده‌های بزرگ
- ۲۷ / اختراع کتدیوز

خانوادهٔ مجلات رشد همه تلاش خود را کرده است تا این مجله در دسترس عموم دانش‌آموزان قرار گیرد و همهٔ کودکان و نوجوانان همین عزیز اسلامی‌مان امکان تهیه آن را داشته باشند.

قیمت: ۲۰۰۰۰ ریال

برای مشاهده آراء تک‌نمونه‌ها یا کلیه آراء و نظرات خود در مجله رشد هنرجو، لطفاً به آدرس ایمیل زیر مراجعه کنید. همچنین می‌توانید به آدرس وبسایت مجله رشد هنرجو مراجعه کنید. آدرس ایمیل: shad@shadmag.com

مهدی عبدالملکی

نشانی مجله: تهران، ایرانشهر شمالی، پلاک ۲۷ صندوق پستی: ۱۵۸۷۵ / ۶۵۸۵ تلفن: ۰۲۱-۸۸۳۱۱۹۱-۲۱ (با خطی ۵۲۰) شماره: ۰۲۱-۸۸۴۹۰۳۶۶ وبسایت: www.shadmag.com پانزکال: shad@shadmag.com صندوق پستی امور مشترکین: ۱۵۸۷۵ / ۲۳۳۱ تلفن امور مشترکین: ۰۲۱-۸۸۸۶۳۳۸ پیامک: ۳۰۰۰۸۹۵ چاپ و توزیع: شرکت است

تقارن ۱
مهرماه ۱۴۰۰، شماره ۲۲۲، ششمین سالگرد



دفاع مقدس ۱۲ روزه پر بود از صحنه‌های زیبایی ایران اسلامی اما زیباترین آن‌ها اتحاد و انسجام مردم بود علیه دشمنان این سرزمین تصویری که می‌بینید راهپیمایی خشم و ایستادگی مردم در روز جمعه ۱۴۰۴/۳/۳ در پی حمله آن روزهاست.



عکس از نمایین طاهر کتاره (بخشی از اثر)

آن ۱۲ روزی که لهستان کردیم

خاطرم هست، اولین تشییع جنازه عجیب و غریبی که تجربه کردیم، تشییع حاج قاسم بود. سر چهارراه وصال می خواندند، مردم اشک می ریختند، حضرت آقا که نماز را نماز که تمام شده، امیدان آزادی پشت سر ماشین مثل می کردیم محال است دیگر چنین باشکوهی بوداگان مثل می گفتند و تنها خاطره آن ها از چنین احوالی در تمام سال های زندگی شان بود.

کوتاهی بیمارستان ها مملو از بیماران شدند. در مدت زمان جمعی فاصله گرفتیم و دغدغه مان شد تعداد فوتی های تسریع در روند واکسن یا آمدن آقا رئیس، به سبب اعلام پایان همه گیری کرونا، دوباره درگیر روزمرگی هایمان شدیم تا...

«حاج آقا هارداسان...»
خبر سقوط بالگرد رئیس جمهور مثل پتک بر سرمان خورد. روز تشییع پیکر شان، پیش از اینکه از خانه حرکت کنیم، مجری شبکه خبر از بایدها و نبایدها، ساعت شروع و... می گفت.

در ذهنم مرور می کردم، خانم گزارشگر، ما می دانیم نماز کی شروع می شود فقط چند سال گذشته در میدان انقلاب، یک جایی را برای خودم پیدا کردم تا مثل چند سال پیش در جمعیت گیر نیفتم. مردم در بهت بودند. آن روز تا خود میدان آزادی اشک ریختم. فرق داشتند. حتی مدل ادا کردن کلمه ها هم فرق بودند. از سال گذشته که حاج آقا رئیس از پیشمان رفت، دنیا عجیب روی دور تند افتاد.





بین، مشکوک نیستن؟
با کمک مردم، نان خانان آجر شد. ریز پرنده‌های خودفروختگان به اسرائیل توقیف می‌شدند تا نیروهای پدافندمان کمی نفس بگیرند.

هر چه جلوتر می‌رفتیم، تصویرها و فیلم‌های کمتری از کشور اشغالی مخابره می‌شدند و هر چه کم‌تر بود، مطمئن‌ترم می‌کرد که دقیق‌تر زدیم. به جای گنبد آهنین و فلاخن داوود و ایکس و ایگرگ، اگرچهل مانع هم برسر موشک‌های ما بود، باز به هدف می‌خوردند. مگر الکی است؛ موشک‌های ما بیمه حضرت عباس بودند.

موشک‌های ما با دعای کودکان فلسطینی که فریاد می‌زدند: «اللهم سدد رمیم» (خدایا تیرهایشان را به هدف برسان)، به قلب هدف‌ها می‌خوردند.

کم‌کم عظمت و قدرت تخریب موشک‌هایمان بیشتر می‌شد. رسیده بودیم به خیبر و سجیل. سرزمینی که صهیونیست‌های کثیف غصبش کرده بودند، داشت به تل‌آزک تبدیل می‌شد. روزهای آخر جنگ، همان روزها که ما به پشت‌بام‌هایمان می‌رفتیم و هنرنمایی پدافند‌هایمان را نگاه می‌کردیم،

آژیر خطر در تلوویزیون لحظه‌ای متوقف نمی‌شد و صهیونیست‌ها مثل موش تمام روز در پناهگاه‌هایشان پنهان می‌شدند.

پس از ۱۲ روز که لهشان کردیم، نوبت به بدرقه عزیزانمان رسید. چه عزیزانی! چه عزیزانی! شب قبل از بدرقه به این فکر می‌کردم که ما در این ۱۲ روز هیچ فرصتی برای سوگواری نداشتیم.

نمی‌دانستم فردا کجا میدان انقلاب اسلامی می‌ایستم!

نمی‌دانستم با چه حالی تا میدان آزادی می‌آیم، فقط...
خانم گزارشگر، ما می‌دانیم نماز کی شروع می‌شود.

ما می‌دانیم...
ما در این یک سال و اندی عزیزان زیادی را تا بهشت بدرقه کرده‌ایم.

پدرشان را جلوی چشمشان می‌آوریم. پس از آن فرمانده‌ها یکی‌یکی جایگزین شدند. خشم تمام وجودم را گرفته بود. به گمانم ساعت پنج بعد از ظهر بود، کمی جلوتر یا عقب‌تر، صداهایی که می‌شنیدم، شبیه صداهای انفجار نبودند، یک چیزی شبیه...
پدافندهای تهران چندین ریزپرنده را منهدم کردند.

داشتیم سرپا می‌شدیم، ولی همچنان یک سؤال در ذهنم ویراز می‌داد:
چرا نمی‌زنیم؟

از حوالی ساعت ۹ شب خبرگزاری‌ها از انتشار پیام مهم رهبر انقلاب خبر می‌دادند. تسبیح قرمز رنگم را دستم گرفتم و چهار زانو جلوی تلویزیون نشستم: اللهم صلی علی محمد وآل محمد...

نزدیک ساعت ۱۰ شب تصویر رهبر بر قلاب تلویزیون نشست. رهبر گفتند (که باز هم نقل کوچه و بازاری‌اش می‌شود) مادرشان را به عزایشان می‌نشانیم. هنوز جمله‌هایشان در ذهنم ننشسته بودند که بوم! تل‌آویو منفجر شد.

وسط صلوات‌هایی که می‌فرستادم، فریاد زد: زدیمم.
بالاخره زدیمم!

موشک پشت موشک، انفجار پشت انفجار و این طور وعده صادق ۳ شروع شد.
از اطراف می‌شنیدم که می‌گفتند روح شاد شهید حاجی زاده!

چقدر این جمله نامأنوس بود! مگر نباید پیام سردار می‌آمد که: «طبق پیام مقام معظم رهبری، عملیات وعده صادق ۳ با موفقیت انجام شد!»

پس چرا به جای شنیدن این جمله‌ها از زبان ایشان، عکس و فیلم او را با صوت قرآن عبدالباسط پخش می‌کردند! کاش خبر شهدا تشنه تکذیب می‌شد! ولی...
روزهای بعد ورق جنگ برگشت.

• بچه‌ها، من همین الان به وانت سیاه مشکوک دیدم، زنگ زد ۱۱۳.
• زهرا، این دو تا موتوری رو جلو خونه روبرو روی

چقدر عزیز از دست دادیم!
چه عزیزانی! چه عزیزانی!

شاید سخت‌ترین و دردناک‌ترین خبری که شنیدیم، خبر شهادت سید حسن نصرالله بود. چقدر امید بسته بودیم که سید زیر آوارهای آن ساختمان بمباران شده نباشد، ولی...

خاطر هم هست، برخی بزرگان می‌فرمودند: سختی‌ها در پیش است.

و من چه می‌دانستم آن‌ها چه می‌گویند! تا رسیدیم به جمعه ۲۳ خرداد، ساعت ۳ و ۲۰ دقیقه بامداد، که با صدای مهیبی از خواب پریدم.

گیج و منگ بودم. اصلاً نمی‌دانستم چه شده است! مستأصل از رینجره بیرون را نگاه کردم. در افاق دیدم، سیاهی عظیمی به چشم آمد.

دود بود؟ ابر تیره بود؟ باز صدا آمد!
نه یک بار، نه دو بار، خبرگزاری‌ها را بالا و پایین کردم. تیر خیره این‌گونه بود: تجاوز به خاک ایران، اسرائیل به ایران حمله کرد و...

خدا می‌نهد، به ناگاه پرتاب شدیم به یک جنگ احتمالی، یک جنگ ناگهانی! در ذهنم این‌طور بود که همین الان، در همین لحظه کنونی، خبر بعدی باید خبر حمله ایران باشد. ولی هیچ چیز مطابق ذهن من پیش نمی‌رفت.

چرا حمله نمی‌کنیم؟
چرا نمی‌زنیم؟
کم‌کم حجم خبرهایی که مخابره می‌شدند بیشتر شد. خبرها دیوانه‌کننده بودند؛ شهادت فلان سردار و دانشمند. در کنار تصویرهای ساختمان‌های ویران‌شده، عروسک‌های آغشته به خون، مردم پریشده...

با وجود تمام خبرها، خیالم کمی راحت بود که...
ساعت ۱ بعد از ظهر، زیر نویس شبکه خبر شهادت سردار حاجی‌زاده را اعلام کرد.

شکستم.
تنها یک سؤال در ذهنم بود:
چرا نمی‌زنیم؟
چرا؟

رهبر پیامی داد (که خودمانی‌اش می‌شود)

سخن
سردبیر

برترین سلاح دانش است

حسین نامی ساعی

فناوری، آن‌ها را به وحشت انداخته است. چنین کشورهایی تلاش می‌کنند ایران را تضعیف کنند تا توان حمایت از ملت خویش و همچنین یاری رساندن به مظلومان سایر نقاط جهان را نداشته باشد.

به همین دلیل در سال‌های اخیر بارها کوشیده‌اند با تحریم‌های ظالمانه، تهدیدهای جدی و حتی اقدامات نظامی، ایران را عقب‌نگه دارند. با این حال، واقعیت این است که تاکنون موفق نشده‌اند از عزم ملی و ایستادگی مردم ایران بکاهند. اما اکنون وظیفه ما چیست؟

ما که امروز به عنوان دانش‌آموز، مسیر یادگیری را طی می‌کنیم، سازنده فردای این سرزمین خواهیم بود. وظیفه ما در برابر چنین تهدیدهایی عبارت است از تلاش بی‌وقفه برای کسب علم، پیشرفت در فناوری و اعتلای فرهنگ، تقویت اتحاد ملی و آگاهی از رویدادها و مسئله‌های اطرافمان، تقویت روحیه ایران‌دوستی، همراه با پایبندی به اخلاق و پذیرفتن مسئولیت در مسیر توسعه کشورمان. نباید فراموش کنیم که ملتی با نسل جوان، پرتلاش، مؤمن و آگاه هیچ‌گاه مغلوب نخواهد شد.

و اما در این شماره، همچون شماره‌های گذشته، هیئت تحریریه و نویسندگان مجله رشد ریاضی برهان متوسطه اول مطالب خواندنی و مفیدی را برای شما آماده کرده‌اند که توصیه می‌کنم حتماً با دقت و حوصله مطالعه کنید و بهره‌مند شوید.

سر بلند و سلامت باشید

سلام دوستان!
آغاز سال تحصیلی را به همه شما تبریک می‌گویم و سالی سرشار از موفقیت و آرامش برایتان آرزو دارم. متأسفانه در تاریخ ۲۳ خرداد ۱۴۰۴ شاهد حمله‌های تجاوزکارانه‌ای از سوی رژیم صهیونیستی و آمریکا به کشور عزیزمان ایران بودیم که در پی آن، تعدادی از هم‌وطنانمان، از جمله فرماندهان، نظامیان، دانشمندان و حتی غیرنظامیان، به شهادت رسیدند. این واقعه ما را به تفکر وامی‌دارد: چرا برخی کشورها نمی‌خواهند ایران قدرتمند وجود داشته باشد و چرا دست‌به‌چنین اقداماتی می‌زنند؟

پاسخ این پرسش را می‌توان چنین تحلیل کرد: در دنیای امروز، کشورهایی که از دانش، اتحاد و قدرت ملی برخوردار باشند، قادر خواهند بود مستقل عمل کنند، از ملت خود محافظت کنند و برای آینده‌ای بهتر گام بردارند. ایران یکی از همین کشورهاست؛ سرزمینی با تمدنی کهن، منابع طبیعی ارزشمند و جوانانی با استعداد. با این حال، کشورهایی مانند آمریکا و رژیم صهیونیستی از وجود ایران مقتدر نگران هستند. دلیل این نگرانی را می‌توان در چند محور یافت:

- آن‌ها نمی‌خواهند در منطقه‌ای که منافعشان در آن تأمین می‌شود، کشوری مستقل و تأثیرگذار حضور داشته باشد.
- پیشرفت‌های علمی ایران، به‌ویژه در حوزه‌های هسته‌ای، دفاعی و

دوره ۳ | شماره ۱۵
مهرماه ۱۴۰۴

۲

برای

مهارت‌های معلمی

جنگ‌های شناختی و ادراکی که از پیچیده‌ترین جنگ‌های نوین هستند، با تحت تأثیر قراردادن اندیشه‌ها، افکار، ادراک و اذهان انجام می‌شوند و موفقیت در جنگ سخت یا جنگ ترکیبی را تضمین می‌کنند. جنگ شناختی و ادراکی از جنس جنگ‌های فرهنگی است. ابزار و ادوات در این نوع جنگ ابزارهای فرهنگی، فکری و عقیدتی هستند. دشمن در جنگ ادراکی و نرم به دنبال تسخیر باورها، نگرش‌ها و ارزش‌های یک ملت است. تصرف قلب‌ها و مغزها هدف اصلی جنگ نرم است. و دشمنان، زمانی که به هدف نائل شوند، در واقع جبهه مقابل را به جبهه خودی تبدیل کرده‌اند. در این حالت به تسخیر نظامی کشور یا دخالت رسمی و مستقیم در تغییر نظام حاکم نیاز نیست، بلکه این اهداف را خود آن ملت، که همگی یا بخش عمده‌ای از آن‌ها در اثر جنگ نرم به جبهه دشمن پیوسته‌اند، تأمین می‌کنند و اگر به جنگ سخت نیازی باشد، با کمترین مقاومت کشور هدف روپرو خواهند شد و یا هزینه‌ای بسیار اندک به هدف اصلی خود نائل می‌شوند. (شریفی، ۱۳۸۹)

اصطلاح‌هایی از قبیل «جنگ ادراکی»، عملیات روانی، جنگ رسانه‌ای و جنگ موربان‌های «همگی از شکل‌ها و انواع جنگ شناختی و گاهی مترادف یا جنگ نرم به کار می‌روند. در جنگ تحمیلی ۱۲ روزه، دشمن صهیونی با بهره‌گیری از ابزارها، شگردها و روش‌های جنگ روانی و جنگ رسانه‌ای، بسیار تلاش کرد در چند روز مردم و مسئولان ایران اسلامی را به انفعال بکشاند و تسلیم‌کننده تا در نهایت با

مکتب عباسعلی مظفری



روایت جنگ دوازده روزه و جنایت رژیم صهیونیستی

جنگ از موربان‌های جنگ

به کارگیری ابزار آلات نظامی پیشرفته و پشتیبانی آمریکا و بعضی از دیگر کشورها، اراده و خواست خود را به ایران بزرگ تحمیل کند. اما با شناخت مبهم و ناکافی از قدرت لایزال الهی، و در پی اراده و وفاداری مردم ایران، ناکام ماند و حتی زمینه ساز تقویت همذاتی و انسجام مردم ایران، با وجود همه تفاوت‌های قومی و مذهبی، شد. در این نبرد شناسختی، عده‌ای فراری، خارج نشین و وابسته به گر و وهای انحرافی، با همکاری استکبار جهانی، به دنبال مشروعیت زدایی، اعتبار زدایی، اعتماد زدایی، قدامت زدایی، نا امید سازی و نا کار آمد نمایی بودند و مدت ها، با کمک رسانه ها، اقدامات و مسیعی انجام داده بودند.

میدان جنگ ادراکی و شناختی به مرزهای جغرافیایی محدود نمی شود. میدان نبرد تمام ابعاد مادی و غیر مادی جامعه را در بر می گیرد و از دورترین نقاط کشور تا مدرسه، کلاس درس، محل زندگی و حتی ساختار شکلی و محتوای تصویری رخنه خراب کودکان و نوجوانان ما را هدف قرار می دهد. ابزار معمول دشمن در این جنگ رسانه‌های شامل «روزنامه‌ها، رادیو، تلویزیون، بن‌سازه‌ها (پلتفرم‌ها) و شبکه‌های مجازی، پیام‌رسان‌ها، اینترنت، بازی‌های رایانه‌ای، فیلم‌ها» و مواردی از این قبیل هستند. قربانیان و کسانی که از این نبرد آسیب می بینند، همه مردم یک کشور، به خصوص کودکان، نوجوانان و جوانان هستند.

در جنگ ۱۲ روزه، استکبار جهانی به دست رژیم صهیونیستی از تمام فن‌های جنگ سخت، نیمه سخت، ادراکی، عملیات روانی، جنگ رسانه‌ای، تهدید و ارباب بهره گرفت و با جنگی پیچیده و ترکیبی و با بهانه‌های واهی، مردم ایران را هدف قرار داد. هر چند حتی به زنان و کودکان هم رحم نکرد، اما این اقدام جز افزایش نفرت جهانی و انزوا برایش نتیجه‌ای نداشت. اما در راستای خنثی سازی اقدام دشمن، چند اقدام می توانست مؤثر واقع شوند و دشمن را در رسیدن به اهداف خود ناکام بگذارند:

۱/ با افزایش سواد رسانه‌ای، هم فکری و تحلیل صحیح و دقیق، از نفوذ پدیده‌هایی که به بحران هویت فرزندان عزیز ما منجر می شوند جلوگیری کرد.

۲/ معلمان و والدین آشکارا با نوجوانان خود درباره این پدیده‌ها صحبت کنند، مشیفتگی آن‌ها را درک

و به هرگونه نگرانی بالقوه رسیدگی کنند.

۳/ در همه کلاس‌ها، ترویج بحث‌های گروهی، نقد و تحلیل جنگ‌های شناختی و روش‌های نوین نفوذ دشمنان در بین دانش آموزان، و تحلیل صحیح جنگ ترکیبی ۱۲ روزه در اولویت قرار گیرد.

۴/ به جای تفکر اسفنجی در کودکان و نوجوانان، مهارت‌های تفکر انتقادی و خلاق که می توانند نگاه انتقادی را توسعه دهند و ماهیت و آثار مخرب ابزار جنگ شناختی و ادراکی را آشکار کنند، تقویت شود.

۵/ بررسی و مطالعه منابع، کتاب‌ها و مجله‌ها به صورت گروهی و با حضور معلم، همسراه با نقد و تحلیل مطالب یا دیگر روش‌های نوآورانه، با همراهی و همکاری اولیا می تواند مفید واقع شود.

۶/ توجه ویژه همه به نمادهای وحدت آفرین دینی و ملی از جمله دین مبین اسلام، خاک وطن، زبان، پرچم و سرود جمهوری اسلامی، می تواند از مصداق‌های وفاق ملی باشد.



توجه ویژه همه به نمادهای وحدت آفرین دینی و ملی از جمله دین مبین اسلام، خاک وطن، زبان، پرچم و سرود جمهوری اسلامی، می تواند از مصداق‌های وفاق ملی باشد

منابع برای مطالعه بیشتر:

۱. شریفی، احمد حسین (۱۳۸۸). جنگ نرم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره)، تهران.
2. <https://bigdata-ir.com>
۳. آتونی گیدنز. جامعه شناسی. ترجمه منوچهر صوری (۱۳۷۴). بی. تهران.
4. https://commons.wikimedia.org/https://rasmonline.com/https://eitaa.com/cog_threats <https://aparart.com/v/cq2FG> <https://bazinegar.ir/b9g>

۱/ اول، تدبیر و اراده رهبر معظم انقلاب اسلامی، این فرزند پرورمند فاطمه زهرا سلام الله علیها، که کشور را لحظه به لحظه هدایت می کرد، رهبر انقلاب به عنوان فرمانده معظم کل قوا؛ مردم، دولت، مجلس، قوه قضاییه و رزمندگان را هدایت می کرد.

۲/ دوم، وحدت و انسجام مردم بود. مردم به مراتب نسبت به قبل از شروع این نجاوز، پیوندشان مستحکمتر و وحدتشان قوی تر شد.

۳/ سوم، رزمندگان نظامی و انتظامی، دلاور مردان بسیج، نیروی هوافضای سپاه پاسداران انقلاب اسلامی که همه متحد و در دست در دست هم، در یک صف واحد و متسجیم در مقابل دشمن صف آرای کردند.

سه نقطه قوت اصلی، عامل پیروزی در این ۱۴ روز بود





دیدگاه

غزه، چالشی جهانی

برای وجدان بشریت

دکتر علی خانخالقی، دانشیار مدیریت آموزشی



شهرک‌ها، تصرف زمین، تخریب خانه‌ها، وضع قوانین نژادپرستانه‌ای که بین یهودیان و غیریهودیان تبعیض قائل می‌شود، و در نهایت تبدیل شدن به یک رژیم آپارتاید تمام‌عیار، به گسترش خود ادامه داد. این نظام در مواردی مانند استقرار یک نظام حقوقی دوگانه، یکی برای یهودیان و دیگری برای اعراب، دادگاه‌های نظامی برای فلسطینی‌ها و دادگاه‌های مدنی برای اسرائیلی‌ها، زیرساخت‌های تفکیک‌شده‌ی عمده‌ی جاده‌ها، آب، برق و حتی شبکه‌های مخابراتی، نظام صدور مجوز و ایست بازرسی که رفت و آمد را به شیوه‌ای بی‌نظیر در سراسر جهان در اختیار می‌گیرد، خودنمایی می‌کند. همه این‌ها در حالی اتفاق می‌افتد که اشغالگران همچنان خود را «تنها دموکراسی در خاورمیانه» معرفی می‌کنند؛ در حالی که زشت‌ترین شکل تبعیض نژادی و استعمار را اعمال می‌کنند.

از زمان فاجعه تأسیس دولت صهیونیستی در سال ۱۹۴۸ در سرزمین فلسطین، که در فرهنگ فلسطینی به‌عنوان «نکبت» شناخته می‌شود، مردم فلسطین اشغال نظامی مداوم، استعمار سامانمند شهرک‌نشینان، محاصره خفه‌کننده، کشتار جمعی، مصادره زمین، یهودی‌سازی اورشلیم و محرومیت از اساسی‌ترین حقوق مدنی و سیاسی خود را تحمل کرده‌اند. در کرانه باختری، گسترش شهرک‌سازی در روز روشن انجام می‌شود، غیرنظامیان فلسطینی در ایست‌های بازرسی با خون‌سردی کشته می‌شوند، اردوگاه‌های پناهندگان و شهرها در عملیات نظامی مورد حمله قرار می‌گیرند، کودکان دستگیر می‌شوند، خانه‌ها تخریب می‌شوند و زمین‌های کشاورزی با بولدوزر صاف می‌شوند.

در اورشلیم، پروژه‌های یهودی‌سازی با سرعت می‌گیرند. محله‌های فلسطینی با کارزارهای آوارگی اجباری روبه‌رو هستند. فلسطینی‌ها از ساخت و ساز در شهر خود منع می‌شوند، در حالی که گروه‌های شهرک‌نشین تشویق می‌شوند تحت حمایت نظامی به مسجداً اقصی، به‌عنوان بخشی از تلاش برای تقسیم زمانی و مکانی مسجد و تحمیل واقعیت‌های جدید به قیمت از دست رفتن حقوق تاریخی، مذهبی و ملی، حمله کنند.

در مورد غزه، اوج این بی‌عدالتی تاریخی را شاهد هستیم؛ نقطه‌ای اشتعالی که تمام تناقض‌های روایت غرب و تمام زشتی‌های سیاست‌های نظم بین‌المللی را آشکار کرده است. حالا دیگر غزه خود فرزان است. وقتی از غزه صحبت می‌کنیم، صرفاً منطقه‌ای را توصیف نمی‌کنیم که ۱۷ سال

این متن بازنویسی شده، نه یک سوگندگاری دیگر، بلکه روایتی از زخمی کهنه است که هرگز التیام نیافته، جنایتی که هرگز متوقف نشده، و آرمانی که به معیار واقعی تمامیت جهان و افشای نادرستی معیارهای آن تبدیل شده است.

آنچه در غزه در حال وقوع است، نه یک درگیری مذهبی و نه صرفاً یک اختلاف ملی است. این یک پروژه استعماری، شهرک‌سازی و نژادپرستانه است که بر ویرانه‌های یک سوگنامه (تراژدی) جعلی اروپایی، یعنی آنچه به‌عنوان «مسئله یهود» شناخته می‌شود، بنا شده و به سرزمینی تحمیل شده است که در آن هیچ نقشی نداشته است. امروز، بعد از بیش از یک قرن از آغاز پروژه صهیونیستی، بیش از هفت دهه از روز نکبت، و تقریباً دو سال از نسل‌کشی در غزه، بار دیگر باید تأکید کرد، همان‌طور که شاهد حمله‌های اسرائیل به سوریه، یمن، ایران، عراق و قبلاً مصر بودیم و هستیم، متوجه می‌شویم که اهالی غزه صرفاً از فلسطین دفاع نمی‌کنند، آن‌ها از معنای کامل آزادی و عدالت در این جهان دفاع می‌کنند.

اروپا و آمریکا پس از خروج از جنگ‌های بزرگ خود، به‌ظاهر تعهد خود را به قوانین بین‌المللی و حقوق بشر اعلام کردند. با این حال، وقتی نوبت به فلسطین و غزه رسید، به تمام شعارهای خود پشت پا زدند، زیرا به‌طور آشکار پروژه صهیونیستی از همان مرحله‌های اولیه خود، یک طرح استعماری-مهاجرت‌گرایانه با حمایت قدرت‌های غربی بود. این پروژه با هدف محو هویت فلسطینی‌ها نه تنها از طریق تصرف زمین، بلکه با حذف آن‌ها از روایت جهانی، و به تصویر کشیدن آن‌ها به‌عنوان مانع پیشرفت، به‌عنوان «تهدید جمعیتی» یا حتی به‌عنوان «وحشت‌افکن (تورریست)»‌هایی که مانع نوگرایی هستند، انجام شده است.

البته این تجاوز مستمر اروپایی-آمریکایی صهیونیستی، به انکار بسنده نکرد، بلکه متجاوزان و اشغالگران صهیونیست، با حمایت همه‌جانبه غرب وحشی، یکی از گسترده‌ترین عملیات‌های پاک‌سازی قومی دوران نوین را انجام دادند. بیش از ۷۵ هزار فلسطینی در سال ۱۹۴۸ به‌اجبار آواره شدند. بیش از ۵۳۰ روستا ویران شد. با وجود قطع‌نامه ۱۹۴ سازمان ملل، حق بازگشت از پناهندگان سلب شد. امروزه، بیش از شش میلیون پناهنده فلسطینی همچنان از حق بازگشت خود محروم هستند. این پاک‌سازی قومی یک رویداد تصادفی نبود، بلکه هسته اصلی این پروژه بود. بعدها، اشغال از طریق سیاست «ایجاد واقعیت‌ها در محل»، یعنی ساخت

رشد مدیریت مدرسه دوره ۱۳۴ شماره ۱ / مهر ۱۴۰۴ ۲۱

عَلَمِ عِلْمِ بَرِ زَمِينِ نَمِي مَانَد

Four circular portraits of Iranian scientists are arranged horizontally at the bottom of the graphic.

فصل یادگیری و همدلی، به وقت پیروزی



مهدی رشایی

به نام او که از آیات او بسیار باید گفت
خدا زنده است، این را اول اخبار باید گفت
خدای انتم الاعلون، وقت نصرت و امداد
خدای وعده‌های صادق لا ینفخ المیعاد
خداوندی که از نیل خروشان جاده می‌سازد
و اعجاز از عصایی پیش یا افتاده می‌سازد
عزیز مصر روزی یوسف در چاه افتاده است
خدای ما خدای لحظه‌های خارق العاده است
به خاک ذلت افتاده است، پیش او تکبرها
خدای بدر، آن پیروزی دور از تصویرها
به صدها جلوه ما آن روح را در کالبد دیدیم
خدای بدر را در عبرت تلخ احد دیدیم
خدای حاج قاسم، آن بزرگ روستازاده
همان مردی که با اخلاص دنیا را تکان داده
خدا این اشک‌ها را عصر عاشورا سیاسی کرد
بکایک سوگواری‌های ما را هم حماسی کرد
خدا با ماست، او اینجاست، هم مقصود، هم راه است
همیشه نصرتش در یاور ان تصوروا الله است
خدا در غزه افشا کرد، راز روزگار این است
که معیار شرافت نسیمت ما با فلسطین است
نماند ظلم پابر جا، نماند سر خوشی‌ها بش
مگر فرعون خیری دیده از کودک‌کشی‌هایش
خدا زنده است و حرمان است در زندان خود ماندن
خدا زنده است و کفران است در نیت احد ماندن
میادا دست روی دست بگذاریم و بنشینیم



گمان بردی که این بار این حکایت فرق خواهد کرد؟
خدا فرعون را یک بار دیگر غرق خواهد کرد
هر آنچه داشتی رو کرده‌ای، این آخرین برگ است
سر جان شرط می‌بندم، قمار آخرت مرگ است
ولی ما وعدهی حقیم و از باطل نمی‌ترسیم
شهادت آرزوی ماست، از قاتل نمی‌ترسیم
به کف پیراهنی خونین، کسی از راه می‌آید
خدا زنده است ای مردم، ولی الله می‌آید
به استقبال او فریاد شد: انا علی العہدی
کسی که هست عیسی از حواریون او، مهدی

شاعر: محمدرسولی

هراسی نیست در دل‌ها، اگر هنگامه جنگ است
هراسی نیست از شیطان، ز های و هوای طغیانش
اگر او می‌کند آغاز، دست ماست پایش
نترسیم و نترسانیم، ترس آهنگ ابلیس است
بدان که ناامیدی آخرین نیرنگ ابلیس است
بیا ای هموطن فریاد شو ضد فراموشی
خیالی خام را دیده، شتر در خواب خرگوشی
بگو از دیرباز این مرز وقت رزم چالاک است
از این قلدر ترش امروز در خروارها خاک است
بسوز ای سعی باطل، پرچم ایران نمی‌سوزد
نمی‌دانی مگر در شعله‌ها ایمان نمی‌سوزد

گر حرکت کنیم، آن قله را نزدیک می‌بینیم
در این اوضاع وانفسا مباحش از بی تفاوت‌ها
ببر بر دوش باید بود در بیکار با پت‌ها
گرچه سفره‌ها زخمی شد و این زخم کم هم نیست
بقین داریم اما خارج از این مرز مرم نیست
جانت، با پمردی، بگدلی، ایمان، امید اینجاست
ه هر سو رو کنی، جانی جوان، سروی رشید
اینجاست
خاطر بردن این سروها رسم فتوت نیست
ما را جز شهیدان با کسی عقد اخوت نیست
ه اسم صلح، در دستان شیطان نامه‌ی جنگ است

گرن‌بیا هستید، در کلاس‌های شماست که
کودکان می‌آموزند عاشق فردوسی، سعدی و
حافظ باشند و در عین حال، به شهدای میهن
احترام بگذارند. این دوره از رشد، با تأکید بر
این هویت مشترک، می‌کوشد راهکارهایی
عملی برای تلفیق این ارزش‌ها در برنامه‌های
درسی و رفتارهای روزمره ارائه دهد.

صدای شما صدای رشد است

رشد آموزش ابتدایی، تنها با حضور و
مشارکت شما همکاران عزیز معنا می‌یابد.
از شما دعوت می‌کنیم تجربه‌ها، ابتکارات و
دغدغه‌های خود را با ما در میان بگذارید.
چگونه سبک زندگی معلمی را در شرایط
امروز تعریف می‌کنید؟ چه روش‌هایی
برای انتقال ارزش‌های ملی و مذهبی به
دانش‌آموزان داشته‌اید؟ فرصت را غنیمت
بشمارید و مطالب خود را برای ما ارسال کنید
تا در شماره‌های آینده منتشر شود. نشریه‌ی
رشد، خانه‌ی دوم همه‌ی معلمان ایران است.
مفتخریم که در هر شماره میزبان آموزگاران
از سراسر کشور هستیم؛ از استان‌های مختلف
و با دیدگاه‌های مختلف.

در پایان مجدداً آغاز این دوره‌ی جدید را به
همه‌ی شما همکاران فداکار تبریک می‌گوییم.
امیدواریم این شماره و شماره‌های آینده،
بتواند همراه، الهام‌بخش و تسهیل‌گر مسیر
پرجالش و در عین حال شیرین معلمی باشد.
بجایید با همکاری یکدیگر، آموزش ابتدایی
ایران را هر روز بلندتر از دیروز بسازیم.

تلاش هستیم موضوع محوری هر شماره
همچون نخ تسبیح ارتباط‌دهنده‌ی مطالب آن
شماره باشد؛ هر چند که مطالبی با موضوعات
دیگر هم در هر شماره خواهیم داشت. موضوع
ویژه‌ی مهرماه «سبک زندگی معلمی» است.
معلمی تنها یک حرفه نیست؛ یک منش و
هویت است و مهرماه نقطه‌ی اتصال تابستان
است - به‌عنوان دوره‌ی بازآموزی و بازاندیشی
و استراحت - با پاییز - دوره‌ی تلاش و
تجربه‌های تازه - شما آموزگاران، پرچم‌داران
تربیت نسل‌هایی هستید که قرار است ایران
فردا را بسازند. در این مسیر، سبک زندگی
شما الگویی زنده برای دانش‌آموزان است؛ از
صبر و نظم شما تا خلاقیت و مهربانی‌تان. در
این شماره، می‌خواهیم با هم مرور کنیم که
چگونه می‌توانیم این سبک زندگی را غنی‌تر
سازیم؛ چگونه در هیاهوی روزمرگی، معلمی
را به زیباترین شکل ممکن زیست کنیم، بدون
آنکه از یاد ببریم که خود نیز نیاز به رشد و
تعالی داریم.

شایسته‌است در طلیعه‌ی ماه مهر که در
تلاقی با هفته‌ی گرامیداشت دفاع مقدس
هشت ساله قرار دارد و در سالی که درگیر دفاع
مقدس دیگری شدیم یاد می‌کنیم از تمامی
اسوه‌های فداکاری که با پدل جانشان مسیر
پیشرفت و سرفرازی ایران را هموار کردند. در
کشوری با پیشینه‌ی تمدنی چندین هزار ساله
و با اتکا به آموزه‌های ناب اسلامی، هویت ملی
و مذهبی دو بال پرواز برای تربیت کودکان
هستند. شما معلمان، نگهبانان این میراث

مهرماه، این ماه نویدبخش شکوفایی و آغاز
دوباره، از راه رسیده است. شاید ماه مهر
یعنی ماه مهربانی که حتماً هر پدر و مادری
تصدیق می‌کند که پذیرش و آموزش ده‌ها
دانش‌آموز در کلاس فقط برآمده از عشق و
مهربانی آموزگار است. با افتخار و امید، دوره‌ی
جدید نشریه‌ی «رشد آموزش ابتدایی» را
آغاز می‌کنیم؛ نشریه‌ای که همواره کوشیده
است همراهی صمیمی و علمی برای شما
معلمان عزیز باشد. در واقع رشد آموزش
ابتدایی همیشه در تلاش است به‌عنوان
دست‌نم‌ه بتواند مکمل و مقوم برنامه‌های شما
آموزگاران محترم در پیشبرد اهداف آموزشی
و تربیتی باشد. چه بسا مطالبی آموزشی یا
شعری آرازش‌بخش با طرح درسی قوی یا
تجربه‌ای از آموزگاری در شهری دیگر بتواند
آینده‌ی جدیدی در ذهن ما شکل دهد یا
گرهی از ذهنمان بگشاید یا فقط حس خوبی
به ما بدهد. در صورت وقوع هر کدام از این
موارد رشد ابتدایی به هدف خود رسیده است.
در این مسیر، ما فقط به انتقال دانش که
به ترمیم سبک زندگی معلمی متعهدیم؛
سبکی که در آن ایشار، دانایی، خلاقیت و
مسئولیت‌پذیری در هم می‌آمیزد و شما را
به‌عنوان معلمان آینده‌ی این سرزمین ممتاز
می‌سازد. در رشد آموزش ابتدایی معتقدیم که
معلمی هنر زنده کردن آینده است.

در این دوره هم مانند سال‌های قبل در هر
شماره موضوع محوری خواهیم داشت و در



مهدی رضایی

به نام آنکه هستی نام ازو یالفت
فلک جنبش، زمین آرام ازو یافت
خدایی کافرینش در سجودش
گواهی مطلق آمد بر وجودش
تعالی الله یکی بی مثل و مانند
که خوانندش خداوندان خداوند
فلک بر پای دار و انجم افروز
خرد را بی میانچی حکمت آموز
جوهر بخش فکرت های باریک
به روز آرنده ی شب های تاریک
غم و شادی نگار و بیم و امید
شب و روز آفرین و ماه و خورشید
نگهدارنده بالا و پستی
گوا بر هستی او جمله هستی
وجودش بر همه موجود قاهر
نشانش بر همه بیننده ظاهر

نظامی گنجوی

آموزش تلفیقی؛ گامی به سوی تربیت نسل مقاوم و خلاق





شهره‌ای دانش آموز در جنگ تصدیق ۱۲ روزه سال ۱۳۰۴



با سلامی گرم به شما آموزگاران سخت‌کوش که همچون چراغ‌های فروزانی، راه آینده‌سازان این مرزوبوم را روشن می‌کنید. آبان ماه، ماهی سرشار از پیام‌های تربیتی و حماسی است که فرصتی مغتنم در اختیار مساعلمان قرار می‌دهد تا با نگاهی نو به فرایند یاددهی‌یادگیری بپردازیم. در این شماره، موضوع «آموزش تلفیقی» را به‌عنوان محور اصلی انتخاب کرده‌ایم؛ رویکردی که می‌تواند تحولی شگرف در نظام آموزشی ما ایجاد کند.

سیزدهم آبان، روزی است که سه رویداد بزرگ را در حافظه‌ی تاریخی ملت ما ثبت کرده است؛ تبعید امام خمینی (ره)، کشتار دانش‌آموزان در سال ۱۳۵۷ به دست رژیم ستم‌شاهی و تسخیر لانه جاسوسی آمریکا توسط دانشجویان پیرو خط امام (ه). این روز به ما یادآوری می‌کند دانش‌آموزان این مرزوبوم همواره پیشگامان عرصه‌ی مقاومت و ایستادگی بوده‌اند. وقتی به شهیدای جنگ تحمیلی دوم هم نگاه می‌کنیم، حضور دانش‌آموزان یادآور این نکته است که دشمن از آینده‌ی ما می‌ترسد و قصد او کشتن آینده‌سازان ماست. امروز نیز با وجود تمام فشارها و تحریم‌ها، ما ایستاده‌ایم و تا فتح قله‌های پیشرفت، از پای نخواهیم نشست. این رسالت بزرگ بر دوش شما معلمان گران‌قدر است که با روش‌های خلاقانه، روحیه‌ی مقاومت و خودباوری را در دانش‌آموزان نهادینه کنید.

به مناسبت روز دانش‌آموز و در تلفیق این روز با عنوان رشد آموزش ابتدایی، یاد دانش‌آموزان شهید دوره‌ی ابتدایی در این دفاع مقدس را گرامی می‌داریم؛ فاطمه نیازمند (پایه‌ی ششم، مدرسه‌ی شهید رحمانی تهران)، محیا نیکزاد (پایه‌ی چهارم، مدرسه‌ی شهید رحمانی تهران)، هلنا غلامی (پایه‌ی پنجم، مدرسه‌ی شهید حسینی خرم‌آباد)، محمدرضا اقدسی (پایه‌ی چهارم، مدرسه‌ی ایمان تهران)، علی نیازمند (پایه‌ی چهارم، مدرسه‌ی پنجم، مدرسه‌ی امیرعلی امینی (پایه‌ی پنجم، مدرسه‌ی گل‌های انقلاب تهران)، سهیل کطلولی

که اساساً جهان با موضوعات جداگانه‌ای از هم تفکیک نشده است. مسائل جهان تلفیقی هستند. این نظام نوین آموزشی بوده است که با توان شگفت‌انگیزی جهان پیرامون را به ادبیات و ریاضی و علوم و... تقسیم کرده است. چه بسا با بیل‌زدن باغچه و گفت‌وگو در مورد مقدار بذر موردنیاز برای این باغچه و زمزمه کردن شعرهای اخلاقی، بتوان درس‌های متعددی را آموزش داد، بدون استفاده از کتاب و اجبار به نشستن در کلاس!

همکاران عزیز، تشریح‌ی رشد آموزش ابتدایی بستری است برای به اشتراک گذاشتن تجربه‌ها و ایده‌های ناب شما. از شما دعوت می‌کنیم تجربه‌های موفق خود در زمینه‌ی آموزش تلفیقی، نمونه‌کارها و پروژه‌های اجراشده در کلاس‌هایتان، راهکارهای عملی برای تلفیق مفاهیم درسی با موضوعات ملی و مذهبی، ابتکارات آموزشی در زمینه‌ی تقویت روحیه‌ی مقاومت و خودباوری و چالش‌ها و راه‌حل‌ها در مسیر اجرای آموزش تلفیقی را با ما و دیگر همکاران به اشتراک بگذارید. مطمئن باشید هر ایده و تجربه‌ی می‌تواند چراغ راه دیگر همکاران باشد. در این مسیر پرچالش، اما شیرین‌معملى، همراه و هم‌قدم شماییم. معلمی هنر زنده کردن آینده است؛ آینده‌ای سرشار از امید، مقاومت و خلاقیت.

(پایه‌ی پنجم، دبستان صیاد شمیرازی تهران) و محمدحسین خاکی احمدآبادی (پایه‌ی ششم، مدرسه‌ی ایمان تهران). فراموش نخواهیم کرد که رژیم کودک‌کش صهیونیستی در سایه‌ی سکوت جهانیان در تجاوزی آشکار خون‌هم‌وطنان ما را نیز مثل شهیدای مظلوم غزه و لبنان و یمن و... به خاک ریخت و این خون‌ها بی‌شک روزی دامن این رژیم را خواهد گرفت.

آموزش تلفیقی؛ رویکردی نوین برای تربیت همه‌جانبه

در دنیای پرشتاب امروز، آموزش‌های سنتی پاسخ‌گوی نیازهای نسل جدید نیست. آموزش تلفیقی با ترکیب هوشمندانه‌ی درس‌های متعدد و مرتبط‌ساختن آن‌ها با زندگی واقعی، می‌تواند یادگیری را معنادار و ماندگار کند. خلاقیت و تفکر نقادانه را پرورش دهد، مهارت‌های زندگی را آموزش دهد، شور و نشاط را به کلاس‌های درس بازگرداند و ارتباط بین مفاهیم درسی را برای دانش‌آموزان ملموس‌سازد. مثلاً وقتی دانش‌آموزان در حین یادگیری درس علوم، با مفاهیم ریاضی نیز آشنا می‌شوند یا هنگام آموزش درس فارسی، مهارت‌های اجتماعی را می‌آموزند، در واقع در حال تجربه‌ی یادگیری عمیق و همه‌جانبه هستند. با نگاهی به جهان‌آفرینش می‌توان دریافت



جنگ ۱۲ روزه، استحکام بی نظیر پایه‌های جمهوری اسلامی را به نمایش گذاشت.

مقام معظم رهبری (مدظله العالی)



فاطمه امیری
کارشناس فرهنگ و تمدن اسلامی، آموزگار

جنگ سایبری

تهدیدی نامرئی و ضرورت آگاهی معلمان و دست اندرکاران آموزش

مقدمه

در عصر دیجیتال، جنگ‌ها دیگر تنها با سلاح‌های فیزیکی صورت نمی‌گیرند. امروزه «جنگ فضای رایانه‌ای (سایبری)» به یکی از خطرناک‌ترین تهدیدهای امنیتی تبدیل شده است. این نوع جنگ، با حمله به زیرساخت‌های حیاتی، سرقت اطلاعات حساس و انتشار اخبار جعلی، امنیت ملی و حریم خصوصی افراد را هدف قرار می‌دهد. معلمان و دست‌اندرکاران نظام آموزشی، به‌عنوان الگوهای دانش‌آموزان و نسل آینده، باید با ماهیت این جنگ، روش‌های مقابله با آن و شیوه‌های آموزش ایمنی فضای رایانه‌ای آشنا باشند.

جنگ فضای رایانه‌ای چیست؟

جنگ فضای رایانه‌ای به استفاده از فناوری اطلاعات و فضای مجازی برای حمله به سامانه‌های رایانه‌ای، شبکه‌ها و داده‌های حساس گفته می‌شود. این حمله‌ها را ممکن است دولت‌ها، گروه‌های وحشت‌افکن (تروریستی) یا رخنه‌گر (هکر)های مستقل انجام دهند و با هدف‌های گوناگونی مانند (تخریب زیرساخت‌ها، سرقت اطلاعات محرمانه، ایجاد اختلال در خدمات عمومی یا تأثیرگذاری بر افکار عمومی) دنبال شود.

ویژگی‌های جنگ فضای رایانه‌ای

۱. نامرئی بودن: برخلاف جنگ‌های سنتی، مهاجمان فضای رایانه‌ای غالباً ناشناس می‌مانند و شناسایی آن‌ها دشوار است.
۲. سرعت بالا: حمله‌های فضای رایانه‌ای در کسری از ثانیه انجام می‌شوند و خسارت‌های گسترده‌ای به بار می‌آورند.
۳. حوزه گسترده تأثیر: هر حمله فضای





ایبیری

رایانه‌ای می‌تواند هم‌زمان میلیون‌ها کاربر را در سراسر جهان تحت تأثیر قرار دهد.

۴. هزینه کم برای مهاجم: اجرای حمله رایانه‌ای نسبت به جنگ فیزیکی هزینه کمتری دارد، اما خسارت آن بسیار بیشتر است.

۵. استفاده از روان‌شناسی اجتماعی: مهاجمان از روش‌های مهندسی اجتماعی (فرباب کاربران) برای نفوذ به سامانه‌ها استفاده می‌کنند.

چرا معلمان باید درباره جنگ فضای رایانه‌ای آگاهی یابند؟

معلمان در آموزش نسل آینده نقش کلیدی دارند و آگاهی آن‌ها از تهدیدهای فضای رایانه‌ای می‌تواند در چند زمینه کمک کند:

حفاظت از اطلاعات شخصی و دانش‌آموزان در برابر کلاه برداری‌های اینترنتی.

شناسایی اخبار جعلی و جلوگیری از انتشار شایعات که ممکن است امنیت روانی جامعه را تهدید کند.

آموزش دانش‌آموزان در زمینه امنیت فضای رایانه‌ای و تبدیل آن‌ها به کاربران هوشمند فضای مجازی.

مقابله با حمله‌های فضای رایانه‌ای به مدرسه‌ها (مانند باج افزارها یا رخنه در رایانه‌های اداری).

برای مقابله با جنگ فضای رایانه‌ای می‌توان این توصیه‌ها و دستورالعمل‌ها را در اختیار معلمان و مدرسه‌ها قرار داد:

۱. افزایش آگاهی و آموزش مستمر از طریق:

۱. شرکت در دوره‌های امنیت فضای رایانه‌ای برای شناخت روش‌های حمله و دفاع.

۲. آموزش دانش‌آموزان در موضوع خطرهای اشتراک‌گذاری اطلاعات شخصی، تشخیص رایانه‌های درگاه‌های جعلی (فیشینگ) و استفاده از رمزهای عبور قوی.

۳. ایمن‌سازی دستگاه‌های مدرسه؛ از طریق:

• نصب ضد ویروس و دیوار آتش (فایروال) روی تمام دستگاه‌های متصل به شبکه.

• به‌روزرسانی نرم‌افزارها برای جلوگیری از سوءاستفاده از حفره‌های امنیتی.

۴. پشتیبان‌گیری منظم از داده‌ها برای مقابله با باج‌افزارها.

۳. مدیریت هوشمند فضای مجازی؛ از طریق:

• کلیک نکردن روی پیوندهای ناشناس در رایانه‌ها یا پیام‌رسان‌ها.

• فعال‌سازی احراز هویت دومرحله‌ای برای حساب‌های کاربری مهم.

• استفاده از شبکه‌های خصوصی مجازی، در صورت نیاز به اتصال به شبکه‌های ناامن.

۴. مقابله با جنگ روانی و اخبار جعلی؛ از طریق:

• آموزش تفکر انتقادی به دانش‌آموزان تا هر خبری را بدون بررسی باور نکنند.

• معرفی منابع خبری معتبر و تشویق دانش‌آموزان به راستی‌آزمایی اطلاعات.

• گفت‌وگو درباره اخبار جعلی در کلاس درس و تحلیل پیامدهای انتشار شایعه.

۵. همکاری با نهادهای امنیتی؛ با این ملاحظات:

• در صورت مواجهه با حمله فضای رایانه‌ای (مانند هک رایانه مدرسه یا انتشار اطلاعات دانش‌آموزان)، موضوع را به مراجع قانونی مانند پلیس فتا گزارش دهید.

• از نرم‌افزارهای امنیتی‌ای که مراجع رسمی توصیه کرده‌اند استفاده کنید.

جمع‌بندی

جنگ فضای رایانه‌ای یک تهدید جدی اما قابل‌مدیریت است. معلمان به‌عنوان الگوهای اجتماعی، با آموزش صحیح و رعایت اصول امنیتی می‌توانند در کاهش آسیب‌های این جنگ نقش مهمی ایفا کنند. آگاهی، هوشمندی و مسئولیت‌پذیری در فضای مجازی نه تنها از مدرسه و دانش‌آموز محافظت می‌کند، بلکه به امنیت ملی نیز کمک خواهد کرد. فضای رایانه‌ای مانند یک شمشیر دو لبه است؛ اگر هوشمندانه از آن استفاده کنیم، ابزاری قدرتمند برای پیشرفت خواهد بود، اما اگر بی‌دفاع باشیم، می‌تواند به سلاحی خطرناک علیه ما تبدیل شود.

آگاهی، هوشمندی و مسئولیت‌پذیری در فضای مجازی نه تنها از مدرسه و دانش‌آموزان محافظت می‌کند، بلکه به امنیت ملی نیز کمک خواهد کرد.





جنگ ۱۲ روزه، استحکام بی نظیر پایه‌های جمهوری اسلامی را به نمایش گذاشت.
مقام معظم رهبری (مدظله العالی)



طراح پوستر: مهلا الماسی

یاد و خاطره شهدای دفاع مقدس ۱۲ روزه بارزیم صهیونیستی و آمریکای جنایتکار گرامی باد.

مقام معظم رهبری:

ایران با عظمت، ایران با این تاریخ، ایران با این فرهنگ، ایران با این عزم پولادین ملی، اسم «تسلیم» برای یک چنین کشوری مایه‌ی استهزاء کسانی است که ملت ایران را می‌شناسند.

۵/۴/۱۴۰۴

KHAMENEI.IR

حُبِّ الْوَطَنِ مِنَ الْإِيمَانِ

«دوست داشتن وطن از ایمان است»

(مستدرک سفینه البحار)

حضرت محمد (ص)





نگاهی به فعالیت هنرمندان کشور
علیه تجاوز دوازده روزه دشمن صهیونیستی

به روایت دوازده



پریسا کریمی
هنرموز شهرستان مهرگان



هیچ گلوله‌ای صدای خنده کودکانه را به گذشته باز نمی‌گرداند، و هیچ زره پوشی، رؤیای جسورانه یک نقاش را زیر چرخ هایش دفن نمی‌کند. در روزگاری که تصویرهای رسانه‌ای، سیمایی وارونه و بی‌جان از حقیقت جنگ ترسیم می‌کنند و دل‌ها را در میان سیل خیرهای دست‌کاری شده به خواب می‌برند، هنرمند متعهد برخلاف جریان ایستاده است؛ نه برای تفریح، بلکه برای اعتراض. نه برای خندانند، که برای بیداری.

آنجا که اندوه و طنز به باریکی بر تو نوری می‌رسند، روایت تازه‌ای زاده می‌شود؛ روایتی که با قلمی طراز از دل درد، حقیقت را فریاد می‌زند. دوازده روز اتحاد مردم ایران، دوازده روز ایستادگی در برابر چهره خون‌بار دشمن و دوازده روز حماسه بی‌دریغ انگیزه‌ای شد برای آفریده شدن صداها اثر هنری؛ آثاری که در برابر استبداد، خشونت و بی‌عدالتی زبان به فریاد گشودند و علیه فراموشی و تحریف، شعله‌ای برافروختند. در چنین زمانه‌ای وظیفه هنرمند است که چون اینه درد مردم را بازتاب دهد؛ همچنان که پیکاسو با اثر عظیم و جاودانه‌اش «گرنیکا» بر پیکر ویران‌شده شهری کوچک، زخمی بزرگ بر چهره جنگ نهاد. گرینکا تنها یک نقاشی نبود، فریادی بود علیه بمبارانی کور کورانه، علیه رسانه‌هایی که حقیقت را پوشاندند و خشونت را زیباسازی کردند. تاریخ هنر، گواه روشنی از چنین ایستادگی‌هایی است. کته کولویتس، بانوی هنرمند آلمانی، در تاریکی سال‌های جنگ با خطوط سیاهش تصویر مادران داغ‌دیده و کارگران فرسوده را ترسیم کرد و وجدان جهان را بیدار ساخت. فرانسیسکو گویا در مصائب جنگ با نگاهی صریح و بی‌ملاحظه چهره بی‌رحمانه جنگ را پیش چشم جهان گشود و در عصر ما، بنکسی هنرمند دیوارنگار (گرافیتی) برتانیایی، بر دیوارهای غم‌زده فلسطین، حقیقتی را نوشت که رسانه‌ها از گفتنش واهمه دارند. اکنون، هنرمندان ایرانی نیز در نمایشگاه «بوزه‌بند» و روایت طنز تصویری در برابر تجاوز رژیم صهیونیستی و آمریکا گام در همین مسیر نهاده‌اند.

هشناد اثر از برجسته‌ترین چهره‌های طنز تصویری کشور به زبانی کنایه‌آمیز، تیزبین و گاه تلخ، برده از چهره خشونت برمی‌دارد و مخاطب را به تماشای حقیقت فرامی‌خواند. کیفیت آثار چه از نظر فنی و چه در خلاقیت اندیشه ستودنی است و گوناگونی نگاه‌ها نشانه‌ای از پویایی و همدلی هنرمندان ایران زمین. چه نیکوست اگر این شعله از دل نمایشگاه‌ها به مدرسه‌ها، محله‌ها و خانه‌های فرهنگ راه یابد. معلمان و دانش‌آموزان با برگزاری کارگاه‌های هنری می‌توانند همراه شوند در خلق روایت‌هایی از دل خود. روایت‌هایی که هم حس همدلی و هویت فرهنگی را تقویت می‌کند، و هم زبان تصویر را در جان نسل نو به جنبش درمی‌آورد؛ زبانی که شاید گویاتر از هزار واژه درد و امید را بازگو کند.